

رخداد

سیدحسن خمینی:

امام برای روزگار ما پاسخ دارد

■ ایست! «سیدحسن خمینی» اندیشه‌امام را شرط حفظ این اندیشه دانست و گفت: امام برای روزگار ما پاسخ دارد. این پاسخ‌ها هرگز از پیش، آماده و آرایه نشده است. باید پاسخ سوالات امروز را با روش‌های خاص اجتهادی از متن اندیشه‌امام به دست آورد.
حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی در دیدار جمعی از اعضای انجمن اسلامی مدرسنین و انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران، در ادامه به طرح این پرسش پرداخت که چه کنیم اندیشه امام باقی بماند؟ و گفت: روحانیون بزرگی در جهان تشیع داشتیم که برخی از آنها وارد عرصه مبارزه هم شدند همانند مرحوم مدرس، آیت‌الله کاشانی و میرزای شیرازی؛ اما هیچ‌کدام همانند امام به مطالبات جریان‌های تاریخی پاسخ ندادند.
امام فرزند زمانه خویشستن است. ایشان درد روزگار خود را می‌شناخت و به آن پاسخ می‌داد.
وقتی امام در سال ۴۲ خود شاه را مستقیماً خطاب قرار داد، درد جامعه را فهمید. کسانی بودند که دوباره مدل مشروطه و مدل‌های دیگر را معرفی می‌کردند اما امام دقیقاً به‌ درد اصلی پرداخت، وی افزود: امام اعتقاد داشت برای آزادیخواهی باید استعمارستیزی، استقلال‌طلبی و دینداری را توأماً پیگیری کرد.
نمی‌شود بدون هر یک از اینها به نتیجه مطلوب رسیدوی اظهار کرد: ما اگر می‌خواهیم به عنوان کسانی که دلایخته اندیشه امام هستیم اندیشه‌ایشان را برای امروز و فردا معرفی کنیم باید به سوالات روز براساس پیچیدگی‌های عصر حاضر بر مبنای اندیشه امام پاسخ بدهیم.وی به تفکیک بین فضایی حقیقیه و خارجیه در امر اجتهاد تاکید کرد و گفت: تفکیک بین این دو قضیه یکی از اصول اساسی اجتهاد است. نمی‌شود برخی از مسجبت‌ها را که در یک شرایط خاص اظهار شده، در شرایط دیگر به کار برد. چون بسیاری از صحبت‌ها قضیه خارجیه هستند و نمی‌توان به همه زمان‌ها تعمیم داد. اگر این تفکیک صورت نگیرد، مشکلات زیادی به بار می‌آید. یادگار امام افزود: برای مثال یکبار یک نفر در نامه‌ای در زمان جنگ نوشته بود: امام می‌گوید: «هن توی دهن این دولت می‌زنم.» این نوع به‌ کار برد فضایی خارجیه در زمان‌های متفاوت کاملاً خنده‌دار و اشکال آن آشکار است. اما به بسیاری از موارد چنین اشتباهاتی آشکار نیست و باعث بدفهمی می‌شود. وی با خواندن این بیت: «گمان میر که به پایان رسید دور مغان لازه بارها نازخوده در رگ تاک است.» تاکید کرد: ممکن است سبو بشکند و پیمانه بریزد اما ساقه تاک همواره باقی می‌ماند. باید کسی بیاید و از آن، شراب معنویت و آزادی بگیرد. وی گفت: حفظ و ترویج اندیشه امام یک شرط اساسی دارد و آن این است که نباید در فراز و فرودهای روزگار غافل شویم. فراز و فرودها یک قاعده الهی است؛ مهم این است که انسان، خود را بشناسد و ایمانش قوی باشد و درد را فراموش نکند. با خستگی و خمودگی نمی‌توان به جایی رسید. باید هر لحظه به آینده چشم داشت.

ادامه از صفحه اول

علی(ع) حامی عدالت و آزادی

در سالروز تولد این امام همام، که امید است برکت آن همه جامعه مسلمین را مبارک کند، باید دید چرا این عدالتی که بنیان و اساس مکتب حضرت علی(ع) را تشکیل می‌داد در تاریخ حکومت‌داری مسلمین فراموش شده و غالباً در حد شعار باقی ماند و در عمل در حکومت‌های بعدی با دست‌های حاکمان مواج شد و اگر کسی حکومتگران را به دلیل ترک عدالت انتقاد کرد، با او از گریز و برخورد بر آمدند. از لحاظ علمی باید گفت از نگاه برخی حاکمان عدالت به مثابه یک روش تلقی می‌شد، یعنی عدالت تا آنجا قابل دفاع تلقی می‌شد که بنیان حکومت را نلراند. اگر اجرای عدالت با بقای حکومت متفاوت داشت باید عدالت را به پای سبست قربانی می‌کردند. روشی که ملایوه در اسلام دنبال می‌کرد و در غرب روح فلسفه ماکیاولیسم را تشکیل می‌داد. روشن است که اگر عدالت به عنوان یک روش تلقی شود، در میان مردم و در عمل فراموش می‌شود. در حکومت و سره امام علی(ع) عدالت به عنوان یک ارزش تلقی می‌شد لهذا خود قربانی عدالت خویش شدویزگی دیگری که از سیره امام علی باید آموخت مبارزه آن حضرت با بدعت‌ها و خرافات و غالیان بوده است. بودند کسانی که می‌خواستند شخصیت امام را فرامبشی نشان دهند. شاید حضرت (ع) سدیدترین برخورد را با آنها داشت. در کنار ترویج غلو، سودجویان دیگری بودند که بنای بدعت‌گذاری در دین را گذاشتند و اسلام را از تأنجا ترویج می‌کردند که ملع منابع آنان نباشد. بیشترین شکوه و شکایت آن حضرت تا پیش از رسیدن به خلافت وجود بدعت‌هایی بود که در جامعه مسلمین به نام دین پیدا شده بود و در مقابل، سنت‌های پیامبر رو به کم‌سویی و نابودی می‌رفت. منظور از بدعت‌ها تغییر در رکعات نماز و کم و زیاد کردن اربع روز و تحریف در حج نبود، بلکه منظور از بدعت، سنن‌هایی بود که تحت عنوان دین صورت می‌گرفت و بیشتر آن در عرصه بیت‌المال و نابرابری‌ای اقتصادی بود. لهذا امام علی(ع) پس از رسیدن به خلافت مهم‌ترین خطبه خویش را در این زمینه ایراد کرد. طبیعتاً کسی که بخواهد در عرصه اجتماعی و اقتصادی، جفا روا دارد و جامعه را به تبعیض و تفاوت‌های فاضح بکشد، نخست اسباب خودرایی را فراهم می‌کند. در روزگار پیش از خلافت حضرت علی(ع) چنین روشی صورت گرفت و اموال مسلمین به دست کسانی افتاد که به تعبیر حضرت: «همچون شتران گرسنه که در فصل بهار معلق‌های بهاری را می‌چرند، می‌خورند» درمندان‌ه باید گفت که در این روزگار (امام علی ع) به‌گونه‌ای برخی سخن می‌گویند که هیچ دغدغه‌ای برای کاهش درد بشریت نداشته و تنها برای عبادت و جنگیدن زندگی می‌کرده است. خوب است از عدالت امام و از حقوق مردم در نگاه علی بیشتر گفته شود.

ادامه از صفحه اول

و در آن زمان اگر کسی می‌خواست دیدگاه متفکر و مدرن مذهبی را به عنوان یک عامل محرکه جامعه و اجتهادی را که متناسب با نیازها و اقتضای زمان است مطرح کند با مشکلاتی مواجه بود. با وجود همه اینها شادروانان بازرگان، طالقانی، دکتریدالله سحابی و… کسانی دیگر بودند که وارد این میدان شدند و در فضاهای آکادمیک جلو رفتند و توفیقات زیادی را هم به دست آوردند. علاوه بر اینها گروه‌های ملی دیگری هم بودند که با افکار ناسیونالیستی، سوسیالیستی، ملی و افکار هدایت‌طلبانه با نظام موجود در تضاد بودند و قصد اصلاح وضع موجود را داشتند که منجر به ملی شدن صنعت نفت شد و با کودتای ۲۸ مرداد نیز به اتمام می‌رسد.

❧ در این میان نقش دانشگاه چگونه بود؟

از کانون‌های همیشه جوشان در دو میدان مبارزه با استبداد داخلی و استیلای خارجی در ایران دانشگاه بود. در این مقاطع ما کمتر حضوری از مجموعه روحانیت در صحنه‌های سیاسی می‌بینیم گرچه معدود شخصیت‌های روحانی بودند که مبارزه می‌کردند اما اینکه به عنوان مجموعه روحانیت وارد عمل شوند در این مقطع نبود. تا در سال‌های ۳۹-۲۸ که علی‌امینی به نخست‌وزیری رسید و ماجرای که منجر به فعالیت مجدد جبهه ملی و تأسیس جمعیت نهضت آزادی شد، با بورشی که در سال‌های ۴۱-۴۰ رژیم داشت و امام حرکت‌شان را آغاز کردند که البته در ابتدا جنبه اصلاحی و ارشادی داشت؛ مجموعه

جریان‌های سیاسی، ملی و مذهبی که معتقد بودند مبتنی بر فرهنگ خودی و اصالت فرهنگ خودی می‌توان ترتیب یک مبارزه بلندمدت را سامان داد، از ورود این جریان روحانی به صحنه سیاسی در آن مقطع استقبال کردند. سران سیاسی به‌قم رفتند و با امام ارتباط برقرار کردند. خود امام هم این تمایل و این تفکر را داشتند که با نیروهای غیرروحانی که در جهت مبارزه با استبداد مبتنی بر فرهنگ خودی حرکت می‌کنند، نزدیکی و ارتباطی برقرار کنند. نتیجه تمایل دو طرف ایجاد یک پیوند بود که در قالب شعار «وحدت حوزه و دانشگاه» در سیره و مرام امام تجلی پیدا کرد.

این جریان روشنفکری دینی غیرروحانی هم که تا حدود زیادی هم‌اوم با افکار و اندیشه‌های روحانیون روشنگر و روشنفکر مذهبی نظیر آقایان شهید مطهری، شهید بهشتی و امام موسی صدر یا متأثر از اندیشه‌ها و آرای شخصیت‌هایی همچون مهندس بازرگان و دکتر سحابی و مرحوم طالقانی بودند، راهی را پیدا کرده بودند که در مقابل آن بینش ارتجاعی مذهبی، نیازهای زمان را پاسخگو بود و شیوهیای از تفکر مذهبی را ارایه می‌دادند که هم در مقابل جریان ضدمذهبی می‌توانست قد علم کند و هم واقعاً به طرف آزادی‌خواهی و آزادی‌بخشی حرکت می‌کرد، به‌خصوص آنکه در آن مقطع جنبش‌های آزادی‌بخش در کشورهای آمریکای لاتین اکثراً مبتنی بر اندیشه‌های مارکسیسم و خیلی هم بر فکر و روح جوانان اثر گذاشته بود و شعارشان همان چیزی بود که عرض کردم که اصولاً تفکر مذهبی ایده‌آلیستی، به جایی نرسد و تنها راه رهایی از ستم بیگانه اندیشه مارکسیسم است. این حالت در جوانان ایران هم بود بنابراین این گروه متفکر اندیشمند دینی که تحت‌تأثیر آموزه‌های این روشنفکران روحانی که مبتنی بر اقتضات زمان کار می‌کردند، در امام این پتانسیل را دیدند که ایشان در جهت همان تفکرات سیاسی که از زمان‌شان است حرکت می‌کند، بنابراین اتحادشان شکل گرفت.

❧ می‌توانید این اتحاد را به‌طور عینی تر توضیح دهید؟
مثلاً در سخنرانی امام در مسجد اعظم قم که بعد از آزادی‌شان که مصادف با دستگیری آقایان مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی بود، شروع صحبت‌شان این است که «از دستگیری آقای مهندس، یاران‌شان تراحت نپایند.» این بیان‌ها نشان‌دهنده نزدیکی ایشان است. من در طول سفرهایی که قبل از انقلاب به نجف داشتم این مساله را همواره با ایشان در میان می‌گذاشتم و در انجمن‌های اسلامی دانشجویان هم که مشغول فعالیت بودیم همیشه مورد حمایت و تشویق ایشان بودیم و جزوات و نوشته‌های ما را با دقت می‌خواندند. ایشان همچنین آثار و نوشته‌ها و کتاب‌های دیگر متفکرین نظیر دکتر شریعتی، مهندس بازرگان و علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی را هم مطالعه می‌کردند.
❧ آشنایی امام با افرادی مثل آقای بزدی و بازرگان از چه زمانی بود؟

فکر می‌کنم این آشنایی عمدتاً به همان سال‌های ۳۹-۳۸ بازمی‌گردد. البته به گمان من با شخصیت و منوی و اندیشه‌های شادروان مهندس بازرگان و یاران ایشان از قبل از این تاریخ آشنا بوده‌اند، اما آشنایی امام با دیگر شخصیت‌های سیاسی - مذهبی نظیر دکتر بزدی و شهید چمران و… از مقطع نهضت مقاومت ملی و مبارزات دانشگاه در این دوران شروع شده است. گرچه این افراد در پی تحولات سال‌های ۴۰-۱۳۳۹ به خارج از کشور رفتند، ولی ارتباط آنان با امام همچنان برقرار ماند و حتی شخصیتی همچون دکتر بزدی از طرف امام اجازه اخذ وجوهات شرعی و مصرف بخش معینی از آن را دریافت می‌کند.

به هر حال مجموعه نیروهای سیاسی - مذهبی که دغدغه آزادی‌خواهی و مبارزه با استبداد را داشتند خودشان را به امام نزدیک احساس می‌کردند که پیوسته تاکید بر وحدت نیروها داشتند و شعار اساسی‌شان «وحدت کلمه» بود و اگر کس یا کسانی به هر دلیل نسبت به فرد یا گروهی از مبارزان رفتاری تند یا غیراخلاقی می‌داشت مورد شماتت ایشان قرار می‌گرفت. در یک نگاه کلی می‌توان گفت که امام به مجموعه نیروهای سیاسی به‌ویژه گروه‌های مبارز مذهبی باید بدین‌تعلل نگاه می‌کردند و ارزش هر کدام را در حد و حدود واقعی خودش نگاه می‌داشتند.

❧ نقش حاج‌احمد آقا خمینی در این تعامل تا چه حد بود؟

نقش سیداحمد در این تعامل، چه در دورانی که در



در گفت‌وگو با «شرق» مطرح شد

امام(ع) به روایت صادق طباطبایی

کرده است. اگر این گمان من درست باشد، اینکه نوشته‌اند همه امضاکنندگان در این موضوع اتفاق نظر دارند؛ صحیح نیست. من تحقیق می‌کنم و خودم جواب آنها را می‌دهم.»
در آن شرایط کار این تحقیق قاعدتاً چند ماهی طول می‌کشید، اما وقتی که احمدآقا به ایشان پیوست، می‌توانست با کاتال‌هایی که برقرار کرده بود؛ از طریق کویت، لبنان، پاکستان، آلمان، فرانسه که ایران در عرض کمتر از یک یا دو ساعت ابهام امام را برطرف کرده و پاسخ ایشان داده شود.

❧ نقش امام خمینی(ره) در تحقق شعار «وحدت کلمه» میان گروه‌های سیاسی چگونه بود؟

در زمان حضور امام در نوفل لوشاتو؛ دو، سه هفته قبل از بازگشت ما به ایران، یک تحلیل گزارش‌گونه از (کاکب) به دست امام رسید. سازمان (کاکب) تحلیل کرده بود که چرا در این یکسال و اندی که قیام مردم ایران وارد این فاز شده، با وجود اقدامات سازمان‌های وابسته به قدرت‌های جهانی و نیز تشکیلات ساواک ایران؛ همچنان سنگر به سنگر موانع را فتح می‌کند؟ تحلیلگران این سازمان اطلاعاتی به این نتیجه رسیده بودند که این پیروزی معلول تفکر کلیدی آیت‌الله خمینی در سال ۴۲ بر مبنای «وحدت حوزه و دانشگاه» است. به این معنا که مجموعه نیروهای روشنفکر تکنوکرات مسلمان غیرروحانی در امام خمینی این پتانسیل را دیدند که امیال آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه سیاسی‌شان می‌تواند توسط ایشان برآورده شود. به اضافه اینکه ایشان به عنوان یک مرجع بلندمرتبه مذهبی، قدرت بسجج توده‌ها را دارد، از آن‌طرف نیروهای روحانی دینی نیز برای اولین‌بار در فضای تکنوکرات‌ها با نیروهایی مواجه شدند که علاوه بر دغدغه‌های روشنفکری دارای انگیزه‌های دینی نیز هستند؛ بنابراین خیلی راحت این دو جریان دست به دست هم دادند. روحانیتی که در آن شرایط، پس از یک‌دوران نسبتاً طولانی غیبت

از صحنه پویای اجتماع با ورود توفنده امام با به میدان مبارزه سیاسی نهاد؛ در این طرف نیز این صداقت را در مبارزه با استبداد داخلی و استیلای خارجی دید و علاوه بر آن به سوابق طولانی و تاریخی مبارزاتی آنها به‌ویژه در چهره‌های برجسته آنها متعرف شد. در متن حکمی که امام به مناسبت انتصاب آقای بازرگان به عنوان رییس دولت موقت می‌نویسند؛ می‌گویند «با توجه به سوابق مدت مبارزات و باور عمیق‌تان به مبنای اسلام،» نتیجه این تفکر کلیدی این که؛ این دو نیرو وقتی دست به دست هم دادند جریان قدرتمندی به‌وجود آمد که این نیروهای تکنوکرات مسلمان و روشنفکر غیرروحانی با روحانیت مرفقی و مبارز به زعامت امام، مهندسی جریان انقلاب و نیز بسجج تودهای را در دست گرفتند و سنگر به سنگر تا به بالا آمدند. البته باید در همین‌جا از نقش ی‌دیل دکتر علی شریعتی در مقدمه‌زایی از فضای آکادمیک کشور و بازگرداندن مبانی فکری دینی و اصالت‌های مبارزاتی به دانشجویانی که در جایگاه روحانیت ازبایی و ترویج‌کننده بنای کار دکتر بر ارج نهادن به تلاش‌های روحانیت اصیل و مبارز و تفکیک آنها از روحانیت سنتی و حافظ نظام استبدادی بود. در مکاتباتی که او با آیت‌الله شهید سیدمحمداقبر صدر داشت، به تبیین و تقدیس جایگاه روحانیت زمان‌شناس به وضوح پرداخته و حضور خود آنها را نیاز عصر و نسل انگاشته بود.

❧ به نظر شما روند این ارتباط و تعامل بعد از پیروزی انقلاب به چه صورت به پیش رفت؟

از آن گزارش (کاکب) می‌شد پیش‌بینی کرد که وقتی به بعد از انقلاب می‌رسیم و می‌بینیم که همان جریان قدرت و همان نیروهای متحد، سازماندهی مردمی را در دست دارد و برای گروه‌های اداره می‌کرد و با تمام گروه‌های سیاسی، حتی گروه‌های مجاهد زیرزمینی مرتبط بود و چه در مدت کوتاهی که در نجف به امام پیوست و در دو سال آخر عمر حکومت پهلوی نزدیک‌ترین یار و مشاور و مددکار ایشان بود؛ بسیار برجسته‌است، من بارها در محافل مختلف به‌ویژه در دانشگاه‌ها گفتم‌ام که مطالعه و بررسی این واقعیت، یعنی بررسی نقش سیداحمد خمینی در تاریخ انقلاب، چه در دوران مبارزه و چه در مراحل پیروزی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، درخور یک رساله تحقیقاتی است. شما مقایسه کنید مجموعه بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها و محتوای مطالب امام را در دوران اقامت‌شان در نجف؛ قبل و بعد از پیوستن احمدآقا به ایشان. تفاوت ملموس و قابل‌توجهی هم در کمیت و هم در کیفیت آنها خواهید دید. بنابراین من در مقام تمثیل گفتم‌ام که اگر انقلاب اسلامی را به اتومبیلی تشبیه کنیم، من سیداحمد را به عنوان موتور آن اتومبیل می‌دانم؛ اتومبیلی که فرمان آن در دست امام است و مردم هم سوخت و انرژی و نیروی محرکه آن را تأمین می‌کردند. این امر در عین حال مورد این واقعیت است که مرحوم سیداحمد خمینی با مجموعه گروه‌های سیاسی به‌ویژه نیروهای مذهبی مرتبط بود و با همگی آنها حالت نوعی تعامل داشت. شاید بتوان گفت که یکی از رموز موفقیت سریع و پیروزی غیرمتربقه بر نظام شاهنشاهی همین واقعیت بوده است زیرا همان‌طور که گفتیم؛ او تا زمانی که در ایران بود

• • • • •

خود امام هم این تمایل و این تفکر را داشتند که با نیروهای غیرروحانی که در جهت مبارزه با استبداد مبتنی بر فرهنگ خودی حرکت می‌کنند، نزدیکی و ارتباطی برقرار کنند. نتیجه تمایل دو طرف ایجاد یک پیوند بود که در قالب شعار «وحدت حوزه و دانشگاه» در سیره و مرام امام تجلی پیدا کرد

و آن نیروهای غیرروحانی، بدنه اجرایی کشور را تشکیل داده‌اند؛ این روند خلاف مصالح دو ابرقدرت شرق و غرب خواهد بود و بنابراین بدیهی بود که با خیل گوناگون و با اتخاذ شگردهای مختلف با آن به عداوت برخیزند. بعد از انقلاب یکی از برنامه‌های قدرت‌های خارجی بنا بر تحلیل (کاکب) و نیز طرح آقای میتران جدا کردن این نیروها بود. برنامه حزب‌توده هم دقیقاً اجرای همین خط بود. حزب توده بعد از پیروزی انقلاب اعلام فعالیت علنی در چارچوب قانون می‌کند و می‌گوید درست است که ما از نظر مبنایی با شما مخالفیم، اما این انقلاب را ضدامپریالیستی می‌دانیم و به هر قیمتی سعی می‌کنیم از آن دفاع کنیم و هر جا هم که عناصر ضدانقلاب خواستند به آن ضربه بزنند، ما اطلاعات آنها را در اختیار شما قرار می‌دهیم. با این شگرذ خودشان را به سران نزدیک می‌کنند و با ایجاد و خلق حوادثی موجب جلب اعتماد آنها به خود می‌شوند.

یا در جایی، گروهی را به تشکیل جلساتی سوق می‌دهند و بعد هم گزارشی از این دیدارها به مقامات امنیتی می‌دهند؛ تا به این ترتیب جلب اعتماد سران حکومت را به خود فراهم کرده و به سوءاستفاده‌های مخرب و خانثانه بپردازند.

در جلد سوم خاطرات آقای ری‌شهری می‌بینید وقتی که اوایل سال ۱۳۶۲ یا اواخر ۶۱ با یورش سپاه در دو نوبت عوامل و اعضای حزب توده بازداشت شدند، عوامل نفوذی‌شان در دادگاه انقلاب، در دادگاه انقلاب ارتش، حزب جمهوری اسلامی، شورای عالی دفاع، در فرماندهی نیروهای مسلح و… شناسایی شدند. مثلاً ناخداافضلی فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی، ارتشی که در حال جنگ با عراق بود به آقای کیانپوری پیام می‌دهد که آن طرف مرز افغانستان بروید و جفت و کرانسن آنتن‌هایتان را عوض کنید، زیرا ما در اینجا به راحتی شما را استراق‌سمع می‌کنیم. بعدا معلوم می‌شود که او و بعضی از افرادی که سال ۶۲-۶۱ دستگیر شدند، تمام از عوامل سازمان کاکب بودند.

این مجموعه جریانات توانستند اعتماد بین روحانیون و روشنفکران را از بین ببرند. شما می‌بینید که یک هفته بعد از پیروزی انقلاب؛ حزب جمهوری اسلامی توسط آقایان بهشتی، خاتمانی، رفسنجانی، موسوی‌ارdebیلی و باهنر که از برجسته‌ترین چهره‌های نزدیک به امام بودند؛ تأسیس می‌شود. اسم حزب؛ جمهوری اسلامی است که در اذهان مردم، حزب متعلق به امام تلقی می‌شود. کم نبودند افرادی که می‌گفتند اگر عضو این حزب باشی ایندات نامین است. لذا در سراسر کشور بسیاری برای عضویت در حزب هجوم آوردند. شما می‌دانید که امام در آغاز مخالف تشکیلات حزب جمهوری اسلامی بودند. آقای هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات خود نقل می‌کند که وقتی حزب تأسیس شد؛ به‌زودی حتی در دهات هم شعبات آن دایر شد. همین واقعیت است که بهترین پایگاه برای نفوذ و عملیات تخریبی سازمان مخفی حزب توده می‌شود. مثلاً می‌شنویم که در یک ده افسرد حزب توده می‌روند و شایع می‌کنند؛ این بخشدار تا دیروز اهل مجلس شده بود؛ ما او را می‌شناسیم یا مثلاً فلان فرماندار رزش بی‌حجاب بوده یا فلان استاندار که شاه عکس دارد. از این نوع کارها در سراسر کشور انجام می‌دهند. لذا شما می‌بینید یک مرتبه یک موج در عرض دو، سه ماه علیه دولت موقت و علیه بدنه اجرایی کشور به وجود می‌آورد و این طرف هم آدم‌های مستقل صاحب‌فکر و اندیشه و برون خصلت تلقی و چالپوسی به بیان موضوع و نظرات‌شان می‌پردازند؛ به طوری که کمتر از یکی، دو سال خیلی راحت یک شکاف عمیقی بین روحانیت و روشنفکران مذهبی ایجاد می‌شود.

❧ آقای طباطبایی با به نظر شما دلیل برخی از شیوه‌های رفتاری امام خمینی(ره) با مخالفان چیست؟
به جای غفلت باید بگوییم چه ذهنیتی ایجاد می‌کنند برای شما که مبتنی بر آن ذهنیت چنین تصمیم‌هایی می‌گیرید که منجر به جدایی می‌شود. بارزترین زمانش را شروع جنگ می‌دانم. اولاً من اعتقاد دارم که اگر این شکاف ایجاد نشده بود و دولت موقت ادامه پیدا کرده بود جنگی اتفاق نیفتاد و مساله گروگان‌ها به فرم دیگری حل می‌شد؛ البته با سیاست خارجی که در موقت داشت و آشنایی به شگردهایی که شرق و غرب در برخورد با انقلاب اسلامی در نظر داشتند و بهانه دست دشمن ندادن و جلب اعتماد سازمان‌های بین‌المللی را کردن و… مساله اینجاست که این عوامل کاکب که در داخل کشور هستند در خارج از ایران هم عمل می‌کنند. مثلاً تمام شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس را می‌توانستند که ایران با یک حرکت غافلگیرانه نظامی از یک صبح تا ظهر کشور شماها را فتح می‌کنند؛ ایران می‌خواهد انقلابش را صادر کند و در کشورهای دیگر پایگاه درست کند. در همان ماه‌های سوم و چهارم انقلاب به محض اینکه مساله بحرین پیش آمد یکی از روحانیون سرشناس در قم اظهاراتی کرده بود و فکر می‌کرد به وسیله شیعیان بحرین می‌تواند انقلاب کند و بحرین را به ایران برگرداند. اظهارات ایشان در منطقه جنگجالی ایجاد کرده بود. من از طرف امام و رییس دولت به کویت و بحرین رفتم و با امیر بحرین صحبت کردم که این حرف‌ها اصلاً حرف ما نیست و چنین قصد و نیتی نداریم. او اصلاً نمی‌خواست بساور کند و مرتب می‌گفت پس این مانورهای نیروی دریایی شما در دریا چیست. به ایشان گفتم که نیروی نظامی هر کشوری هر از چندی جهت سنجش آمادگی و ارزیابی توان رزمی و نیز تمرین‌های لازم مانورهایی بر گزار می‌کند. ما تجهیزات نیروی دریایی‌مان را که نمی‌توانیم ببریم در کوه‌های البرز مانور بدهیم، منظور من این است که مبتنی بر سیاست خارجی‌مان سعی می‌کردیم که چنین فکری بین همسایه‌ها به وجود نیاید. من معتقدم با همین سیاست خارجی و دیپلماسی فعال و همه‌جانبه‌نگر، می‌توانستیم مانع خیرسوری‌ها و انگیزه‌های کشور گشایی و افزون‌طلبی‌ها و شیطنت‌های صدام شویم.

خبر

بیت امام راحل در قم میزبان هزاران زائر

■ این‌رأیت حضرت امام خمینی در محله یخچال قاضی واقع در خیابان معلم طی دیشب و روز جمعه میزبان هزاران نفر از مردم از سراسر کشور و برخی از کشورهای اسلامی است. با توجه به اینکه شهر مقدس قم در محور مواصلاتی ۱۷ استان کشور قرار دارد، سیل عظیم زائران حرم مطهر حضرت امام راحل از شب گذشته تاکنون به سمت این شهر مذهبی عراق، لبنان، مصر، اندونزی و سایر که هر ساله قبال از ورود به تهران یک شب را در شهر قم بی‌توته می‌کردند ولی امسال با توجه به افزایش تعطیلات، فرصت بیشتری برای ماندن در قم و زیارت حرم کرمه اهل بیت(ع) و مسجد مقدس جمکران و بازدید از بیت حضرت امام راحل را دارند. شب گذشته گروه‌هایی از کشورهای عربستان، عراق، لبنان، اندونزی و سایر کشورهای اسلامی که برای شرکت در مراسم ارتحال امام راحل وارد ایران شده بودند، از بیت تاریخ امام راحل بازدید کردند. براساس این گزارش، نمایشگاهی با موضوع «جلوه دبصار» در قالب آثار و زندگینامه امام راحل نیز در جنب بیت حضرت امام راحل در خیابان معلم برپا شده است. کاروان‌های دیگری نیز به محض ورود به قم و زیارت حرم کرمیه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه(س)، به صورت گروهی از بیت امام راحل بازدید می‌کنند. گفتنی است: بیت امام راحل در محله یخچال قاضی قم قرار دارد، این بیت در سال ۱۳۳۵ هـ شخ خریداری شده و ایشان تا آخرین روزها و ساعاتی که در قم بودند، در همین خانه ساده می‌زیستند. بیت امام حدود یکصد سال پیش بنا شده و شامل دو طبقه، سرداب و همکف است. قسمت جنوبی بنا، حیاط ساختمان واقع شده است و در جهات شمال، شرق و غرب آن فضاهای سروپشیده قرار دارد. در وسط بنا، راه‌پله‌ای است که ساختمان را به دو بخش بیرونی (شرقی) و اندرونی (غربی) تقسیم می‌کند. در بخش بیرونی ساختمان، اتاق بزرگی واقع شده که سال‌ها پذیرای مستمعان و شاگردان حضرت امام بوده است. سخنرانی تاریخی امام علیه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۳۴۱ هـ ش در این مکان برگزار شد. آخرین سخنرانی امام در منزل یخچال قاضی، در چهارم آبان ۱۳۴۴ هـ ش علیه قانون کابینتواسنین بود. صبح آن روز گروه‌های مختلفی از مردم به منزل امام(ره) آمدند تا سخنرانی ایشان را بشنوند. در همین سخنرانی بود که فرمودند: «قلب من در فشار است. راجعاً به ایران دیگر عید ندارد. عید ایران را عزا کردند. ما را فروختند. عظمت ایران از بین رفت.» «چند روز پس از این سخنرانی، در روز سیزدهم آبان، پس از هجوم به بیت امام و دستگیری ایشان، به ترکیه تبعید شدند.

تمهیدات ویژه سالگرد ارتحال امام(ع)

■ ایستانه برگزار می‌مراسم بیست‌وسومین سالگرد ارتحال ملکوتی امام خمینی(ره)، (سازمان‌ها و نهادهای مختلف تمهیدات ویژه‌ای برای خدمت‌رسانی به زائران حرم مطهر در نظر گرفته‌اند.
محدودیت‌های ترافیکی
سردار حسین رحیمی با اشاره به اینکه پیش‌بینی می‌شود یکمیلیون زائر در مراسم ارتحال امام(ره) حضور یابند گفت: پلیس برای ۳۰ تا ۵۵۰ هزار خودرو در مراسم ارتحال امام(ره) ۱۰ پارکینگ در نظر گرفته است.

استقرار ۵۰ فرزند باالگرد و ۸۰۰۰ امدادگر
همچنین محمود مظفر رییس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر نیز گفت: در این زمینه در روز ۱۴ خرداد ۸۰۰۰ امدادگر خواهر و برادر داخل صحن حرم به زائران خدمات امدادی و کمک‌های اولیه ارایه می‌دهند.

استقرار ماموران نامحسوس

سردار حسین ساجدی‌نیا، فرمانده انتظامی تهران بزرگ نیز با بیان اینکه مجموعه پلیس تهران بزرگ از ۲۴ ساعت پیش از آغاز مراسم در آمادباش کامل هستند گفت: در مورد مسایل انتظامی داخل و محدوده شهر تهران در روزهای چهاردهم و پانزدهم خردادهماهنگی‌های لازم برای برقراری امنیت صورت گرفته است.

خدمت‌رسانی ۴۰۰ آتش‌نشان
فتح‌الله تیموری معاون عملیات سازمان آتش‌نشانی نیز اعلام کرد که بیش از ۴۰۰ آتش‌نشان با تجربه آماده خدمت‌رسانی هستند.

ادامه از صفحه اول

آدم‌ها و حرف‌ها

و به‌جای آموختن از مرگ و در مرگ جایی هم برای آموختن از زندگی و در زندگی باز می‌شد. اما افسوس که چنین نبوده و هنوز هم چنین نیست، پس باید پذیرفت که در سوگ فریده ماشینی باید از زندگی و همین نیز منتهم است. روشن است که از این پس درباره «فریده خانم» فراوان خواهند نوشت و فریده‌خانم: زن است اندیشمند و فروتن در میانه میدان اجتماع که در فراز و فرود بیش از سه دهه تلاش نه در کنار آتش پوشش بیش از نمودش بود. به تمثیل دکتر شریعتی به باقی می‌ماند سرسبز که سردری متواضع و دودمانی داشته است، بی‌قبل و کلید و درانی که هر کس بی‌هوا و بی‌هراس می‌توانست به دیدار او بیاید و از فضای باز اندیشه و کنش‌هایش بهره گیرید.او ایمانی راسخ داشت و دل به خاوندن و ذهن به کتاب آسمانیش سپرده بود. در عین حالی که با همه اق‌های باز نسبت داشت و به همه میدان‌های عمل اجتماعی وارد می‌شد؛انگونه اندیشیدن و زیستن از او آدمی ساخته بود که برای جوانان سنگ صبور بوده و برای سیاست‌مردان و کنشگران اجتماعی حلقه وصل و برای دل‌های رمیده همیشـه دارای حرف‌هایی از جنس امید و آشنایی و اصلاح پس نقطه عزیمت برای بازخوانی «فریده‌خانم» همین است که بنای فروتن بود و اندیشمند و خستگی ناشناس و آسانی و به راستی شاهکار او همین‌گونه زندگیش بوده.